

مطالعه تطبیقی سن یائسگی در فقه مذاهب اسلامی

سهیلا رستمی^۱

سیده ریحانه یوسفی^۲

زهرا تخت‌مینا^۳

چکیده

به بانویی که به سبب سالخوردگی در سن و تغییرات جسمی عادت‌ماهیهانه او قطع و در نتیجه از حیض و حمل ناامید گردد، یائسه گفته می‌شود. در قرآن و سنت نص خاص و ضابطه‌ای معین درباره سن شروع یائسگی وجود ندارد و به همین دلیل فقیهان با استناد به آیه‌ها و روایت‌های واردشده، در نظرگرفتن اقتضات زمان و مکان، توجه به سن یائسگی همسالان و خویشان نزدیک در این زمینه اجتهاد نموده‌اند و نتیجه آن آرای مختلفی است که نه به عنوان حکمی قطعی، بلکه فقط به عنوان دلیل ظنی و اماره و بیان حد متوسط سن یائسگی قابل طرح و بررسی است. در علم پزشکی نیز روش مطمئنی برای تعیین زمان دقیق یائسگی وجود ندارد و وقوع آن بیشتر به زمینه ارثی و سبک زندگی زنان بستگی دارد.

عدم اتفاق نظر فقیهان و وجود آرای مختلف درباره سن یائسگی، ابهام‌ها و پرسش‌های مطرح‌شده در نحوه انجام تکالیف شرعی و مسائل حقوقی حاصل از تردید در حیض یا استحاضه‌بودن خون، تغییرات فیزیولوژیکی حین یائسگی و بعد از آن و تأثیر آن بر روح و جسم بانوان پژوهش در این زمینه را ضروری می‌نماید.

۱. استادیار، گروه فقه شافعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: rostamisoheila@gmail.com

۲. استادیار، گروه زنان، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران.

۳. کارشناسی ارشد، گروه فقه شافعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

بدین منظور جهت تبیین موضوع، در این مقاله ابتدا به تعریف یائسگی، سپس بیان دیدگاه‌های مختلف فقها درباره سن شروع یائسگی پرداخته شده و در نتیجه دیدگاه عدم تحدید سن مشخص برای یائسگی، به عنوان رأی راجح برگزیده شده است.

واژگان کلیدی

سن، یائسگی، سن یائسگی، مذاهب اسلامی

مقدمه

از مباحث‌های مهم و قابل توجه در عصر حاضر مبحث مربوط به حوزه زنان، ارتقای سلامت و احکامی است که به صورت ویژه و خاص به آن‌ها تعلق می‌گیرد. از جمله این احکام بحث از یائسگی، سن شروع و آثار فقهی و حقوقی مترتب بر آن است. اختلاف آرای فقیهان مذاهب اسلامی درباره زمان و سن شروع یائسگی، ابهام‌ها و پرسش‌های مطرح‌شده در نحوه انجام تکالیف شرعی (عاملی، بی‌تا؛ حلی، ۱۴۰۸ ق؛ زحیلی، بی‌تا؛ حلی، ۱۴۰۷ ق.) حاصل از تردید در حیض یا استحاضه بودن خون، (مغنیه، ۱۴۲۹ ق؛ زحیلی، بی‌تا؛ جزیری، ۲۰۰۹ م.) تغییر فیزیولوژیکی حین یائسگی و بعد از آن و تأثیر آن بر روح و جسم بانوان (عناستانی، ۱۳۸۴ ش.) ضرورت مطالعه و پژوهش در این زمینه را آشکار می‌نماید، چراکه بر اساس آمارهای ارائه‌شده از میانگین سنی افراد در جامعه، یائسگی حداقل یک‌چهارم طول عمر زنان را دربر می‌گیرد. یائسه یا آیسه در اصطلاح فقهی و حقوقی زنی است که به سبب سالخوردگی در سن و تغییر جسمی، حیض یا عادت ماهانه او قطع و در نتیجه از حیض و حمل ناامید شود. (ابن قدامه، بی‌تا؛ ابن عابدین، ۱۴۲۱ ق؛ خرسی، بی‌تا؛ شافعی، ۱۴۰۳ ق؛ کاتوزیان، ۱۳۸۸ ش؛ حسینی، ۱۳۸۵ ش.) بنابراین بر اساس این تعریف ملاک یائسگی در زنان اول قطع خون (البته نه به دلیل بیماری و...) و دوم کهولت سن است.

سراغاز بحث یائسگی در قرآن را می‌توان به ماجرای خوله دختر ثعلبه نسبت داد. مکالمه بین خوله و عایشه همسر پیامبر (ص)، حاکی از نوع نگاه جامعه عرب قبل از اسلام به زنان یائسه است. ماجرا از این قرار است: خوله زن اوس بن صامت به شکایت از شوهر خود، نزد پیامبر اکرم (ص) می‌رود و می‌گوید: «ای رسول خدا، جوانی مرا بر باد داد، خودم را فدای او نمودم، اما اکنون که پیر شده‌ام و توان

بچه‌دار شدن ندارم، از منظهار نموده است و قصد جدایی از مرا دارد. خداوندا از او، نزد تو شکایت می‌کنم و هم‌چنان خوله سخنش را ادامه می‌دهد تا این‌که آیه‌های ۱ تا ۴ سوره مجادله نازل می‌شود. (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ ق؛ ابن ماجه، بی‌تا؛ مجلسی، بی‌تا؛ آلبانی، ۱۴۰۵ ق.)

آیه‌های ۱ تا ۴ سوره مجادله احکامظهار (مغنیه، ۱۴۲۹ ق، جزیری، ۲۰۰۹ م) را بیان می‌کند، اما با دلالت‌ال‌اشاره می‌توان فهمید که آیه‌های مذکور علاوه بر احکامظهار دربردارنده حال‌زن‌های یائسه صدر اسلام و چگونگی رفتار مردان با آن‌ها است. به‌ظاهر آن‌ها چنین زنی را از کار افتاده می‌دانستند.

بررسی آیه‌های قرآن و سنت پیامبر (ص) این نکته را آشکار می‌نماید، آن اندازه که در این دو منبع تشریح به مبحث حیض و احکام آن اهمیت داده شده، بحث یائسگی مد نظر نبوده است و تنها در دو آیه از قرآن به این مسأله، البته برای بیان احکام مربوط به این دوران، اشاره شده و درباره زمان و سن یائسگی سخنی به میان نیامده است. آیه‌های ذکر شده عبارتند از:

- آیه ۴ سوره طلاق که می‌فرماید: «وَاللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحْضْنَ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا؛ و آن زنان شما که از خون‌دیدن (ماهانه) نومیدند، اگر شک دارید (که خون می‌بینند یا نه) عده آنان سه ماه است و (دخترانی) که (هنوز) خون ندیده‌اند (نیز عده شان سه ماه است) و زن‌های آبستن مدتشان این است که وضع حمل کنند و هر کس از خدا پروا دارد (خدا) برای او در کارش تسهیلی فراهم سازد.» آیه دربردارنده دو سخن است: نخست طلاق زن‌های یائسه صحیح و جایز است؛ دوم عده آن‌ها ۳ ماه قمری است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق؛ سائیس، بی‌تا)

- در آیه ۶۰ سوره نور می‌فرماید: «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ و بر زن‌های از کارافتاده‌ای که (دیگر) امید زناشویی ندارند، گناهی نیست که پوشش خود را کنار نهند (به شرطی که) زینتی را آشکار نکنند و عفت‌ورزیدن برای آن‌ها بهتر است و خدا شنوای داناست.» آیه مذکور حکم حجاب را که در آیه ۳۱ سوره نور و ۵۶ سوره احزاب ذکر شده به نسبت زن‌های یائسه منسوخ اعلام می‌کند و حکم رعایت حجاب را از آن‌ها برداشته و از آن‌ها رفع تکلیف می‌نماید. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق.)

الف - زمان و سن یائسگی از دیدگاه علم پزشکی

در علم پزشکی یائسگی^۱ مقطعی است که به دنبال از بین رفتن فعالیت تخمدان‌ها، قاعدگی‌ها به طور کامل قطع می‌شود. (اسپیروف، ۱۳۹۱ ش؛ نواک، ۱۳۹۱ ش.) همان‌گونه که مرحله بلوغ یکی از بحرانی‌ترین مراحل زندگی انسان است و عوامل متعدد زیستی، روانی، اجتماعی و حتی فرهنگی، نوع تغذیه و... در زمان و نحوه ظهور آن دخالت دارند، همچنین این عوامل در بروز یائسگی نیز مؤثرند. (صادقیان و همکاران، ۱۳۷۶ ش.) یائسگی آخرین دوره از فرآیند بیولوژیکی تدریجی است که در آن تخمدان تولید هورمونی جنسی زنانه خود را کاهش می‌دهد. یائسگی زمانی کامل است که زن به مدت یک سال به هیچ وجه عادت ماهیانه نداشته باشد. این دوره مانند آغاز دوران عادت ماهیانه در افراد بالغ، زمان آن از فردی به فرد دیگر متغیر است. (عجمی، ۱۳۸۰ ش.) در علم پزشکی تئوری کاملی که یائسگی را بیان نماید، جود ندارد، اما شکی نیست که تخمدان هسته اصلی آن است. فرسودگی واحدهای فولیکولار پاسخ‌دهنده به گونادوتروپین‌ها مسؤول

کاهش ترشح استروژن و توقف قاعدگی است، (رجبی و همکاران، ۱۳۸۱ ش.) به این صورت که در طی حدود سی سال جریان مداوم عادت ماهانه، تخمک‌ها یا دفع شده و یا خشک شده و از بین می‌روند در نتیجه، تخمدان‌ها از تخمک خالی می‌شود. زمان تمام‌شدن تخمک‌ها در مورد افراد مختلف، بسیار متفاوت است. گروهی خیلی زود به این مرحله می‌رسند و بالعکس گروهی خیلی دیر. زودترین تمام‌شدن تخمک‌ها، سی سالگی و دیرترین، شصت سالگی است. در بیشتر خانم‌ها این فرآیند در پنجاه و یک سالگی اتفاق می‌افتد. با کم‌شدن تخمک‌ها، تولید استروژن و پروژسترون نیز تغییر کرده و نامنظم می‌گردد. این مسأله، باعث سردرگمی غده هیپوتالاموس می‌شود، به طوری که به غده پیتوری فرمان می‌دهد بیشتر FSH و LH ترشح نماید تا بلکه تخمک‌های نارس رسیده شوند و بتوانند استروژن تولید کنند. تولید با حداکثر ظرفیت دو تا سه سال بعد از یائسگی هم‌چنان ادامه می‌یابد. سرانجام این تلاش و ترشحات فوق‌العاده FSH و LH برای رسیده‌شدن و پرورش‌یافتن تخمک‌های باقی‌مانده بی‌نتیجه می‌ماند. کافی نبودن استروژن موجب می‌شود که دیواره داخلی رحم نیز مانند گذشته ضخیم نشده و آماده قبول و پرورش نطفه نگردد. در نتیجه، عادت ماهانه متوقف می‌شود. (نینوائی، ۱۳۷۴ ش.)

۱- شرایط ثبوت یائسگی

یائسگی در علم پزشکی دارای شرایطی است از جمله:

- اختلال در الگوی قاعدگی که شامل عدم تخمک‌گذاری، کاهش قدرت باروری، کاهش حجم خون، نامنظم‌شدن فواصل بین قاعدگی‌ها و در نهایت آمنوره (اختلال در قاعدگی) است. (نواک، ۱۳۹۱ ش.)

- ناپایداری وازوموتور (گرگرفتگی و تعریق) که تقریباً در ۷۵٪ زنان حول و حوش یائسگی رخ می‌دهد، این علائم در بیشتر زن‌ها به مدت ۲-۱ سال بعد از یائسگی پابرجا می‌ماند، اما در برخی دیگر تا ده سال یا بیشتر نیز تداوم می‌یابد.

- مشکل‌های مرتبط با آتروفی (کوچک‌شدن اندازه سلول به دلیل کاهش مواد سلولی): دیس پارونی (درد هنگام رابطه زناشویی) و خارش ناشی از آتروفی، آتروفی فراگیر پوست، مشکلات ادراری و... (اسپیروف، ۱۳۹۱ ش).

- مشکلات ناشی از محدودیت طولانی‌مدت از استروژن از قبیل استئوپروز و بیماری قلبی و عروقی. (اسپیروف، ۱۳۹۱ ش).

۲- علائم یائسگی

یائسگی نیز همچون عادت ماهیانه دارای علائم خاص خود است که عبارت است از:

۱-۲- **نامنظم‌شدن قاعدگی:** هرچه سن بالاتر می‌رود، تخمک کم‌تری آزاد شده و میزان تولید استروژن و پروژسترون نوسان می‌یابد که خود موجب کاهش میزان خون و یا گاه به تعویق‌انداختن عادت ماهانه می‌گردد. آنچه در دوران گذار حوالی یائسگی دیده می‌شود، تنها یک نشانه است و آن نامنظم‌شدن قاعدگی است. بیمار این بی‌نظمی را به صورت جاافتادن قاعدگی‌ها و یا طولانی‌شدن فواصل بین قاعدگی‌ها (در حدود چهل تا شصت روز) تجربه می‌کند. (اسپیروف، ۱۳۹۱ ش؛ صمدانی‌فرد، ۱۳۸۴ ش). طول چرخه قاعدگی از طریق سرعت و کیفیت رشد و نمو فولیکول (تخمکی که تخمدان آزاد نشده) تعیین می‌شود، و به طور طبیعی طول آن ممکن است در زن‌ها مختلف متفاوت باشد. (اسپیروف، ۱۳۹۱ ش).

۲-۲- **گرگرفتگی:** گرگرفتگی به عنوان نشانه اصلی دوران یائسگی زن‌ها در نظر گرفته می‌شود و اغلب زن‌ها یائسه به درجاتی آن را تجربه می‌کنند. اصطلاح

«گرگرفتگی» به قرمز شدن ناگهانی پوست سر، گردن و قفسه سینه گفته می‌شود که همراه با افزایش تعداد ضربان قلب و احساس گرمای شدید در بدن است و گاهی اوقات بعد از آن، فرد دچار تعریق شدید می‌شود. گرگرفتگی علاوه بر این که سبب آشفته‌گی زن‌ها در محیط کار و اختلال فعالیت‌های روزانه می‌شود، خواب فرد را نیز برهم می‌زند. (نواک، ۱۳۹۱ ش؛ مروین، ۱۳۶۷ ش.)

۲-۲- **خُلق و خوی متغیر:** در دوران گذار حوالی یائسگی و اوایل دوران یائسگی مشکلاتی همچون خستگی، عصبانیت، سردرد، بی‌خوابی، افسردگی، تحریک‌پذیری و تپش قلب به کرات دیده می‌شوند. (اسپیروف، ۱۳۹۱ ش.)

۲-۴- **بی‌اختیاری ادرار:** بسیاری از خانم‌ها در طول عمرشان بعد از بلوغ با عفونت مجرای ادرار^۲ رو به رو هستند، اما این مسأله در دوران قبل از شروع یائسگی بیشتر می‌گردد. بر اساس بعضی از مطالعات ۲۰٪ از تمام خانم‌های بالای ۴۵ سال به این عفونت مبتلا می‌شوند که می‌تواند باعث از دست‌دادن کنترل ادرار شده و موجبات ناراحتی فرد را فراهم آورد. (صمدانی‌فرد، ۱۳۸۴ ش.)

۲-۵- **تپش قلب:** گاه تپش قلب غیر منتظره، باعث ترس و هراس در زن‌هایی که در دوران قبل از یائسگی هستند، می‌گردد، اما در دوران یائسگی احتمال به وجود آمدن تپش قلب زیادتر می‌گردد، زیرا زن‌ها در این زمان بدنشان دچار نوسان هورمونی می‌شود و تغییرات در میزان هورمون می‌تواند باعث این پدیده گردد. (صمدانی‌فرد، ۱۳۸۴ ش.)

۳- زمان یائسگی

در علم پزشکی سن مشخصی برای یائسگی بیان نشده است و گفته شده معمولاً یائسگی در دوران سنی میان ۴۰-۵۵ سالگی اتفاق می‌افتد، عواملی مانند نژاد، ژنتیک، میزان سلامتی و چگونگی زندگی فرد در هنگام وقوع یائسگی،

(فلسفی، ۱۳۶۷ ش.) موقعیت اجتماعی و اقتصادی، شمار حاملگی، سطح سواد، ویژگی‌های فیزیکی، مصرف الکل و تاریخ آخرین حاملگی (رجبی و همکاران، ۱۳۸۱ ش.) در هنگام وقوع یائسگی مؤثرند. کاهش میزان خونریزی تا قطع کامل آن، به طور معمول دو تا سه سال به طول می‌انجامد. در بعضی از زن‌ها عادت ماهیانه بدون اخطار قبلی یک‌باره قطع می‌شود و در بعضی زن‌ها عادت ماهیانه پس از ۵، ۶، ۷ یا ۸ هفته اتفاق می‌افتد. وقوع عادت ماهیانه یک یا دو بار در سال نیز در اواخر دوره یائسگی امری طبیعی است. (فلسفی، ۱۳۶۷ ش.)

ب - زمان و سن یائسگی از دیدگاه فقیهان

هم‌چنانکه ذکر گردید، در کتاب و سنت درباره زمان یائسگی سخنی به میان نیامده و آنچه امروزه در جوامع فقهی مسلمانان درباره سن و زمان یائسگی و حداقل و حداکثر آن ذکر می‌شود، گفتار فقیهان است و این نشان‌دهنده آن است که این مسأله، مسأله‌ای اجتهادی است. در مورد یائسگی و سن شروع آن در کتاب‌های فقهی امامیه و اهل سنت روایت‌ها و گفتار متعددی وجود دارد. این تعدد آرا و اختلاف نظرها سبب ایجاد پرسش‌هایی در نحوه انجام تکالیف شرعی و احکام حقوقی حاصل از تردید میان حیض یا استحاضه‌بودن خون شده است، زیرا اگر حکم به حیض‌بودن، خون شود احکام خاصی از جمله ترک عبادت‌ها و دوری از برخی از محرّمات را دارد و چنانچه حکم به استحاضه‌بودن خون شود، حکم آن انجام عبادات و غسل است و این خود عوارض جانبی‌ای به دنبال خواهد داشت. علاوه بر بحث انجام عبادات در زمینه مسائل حقوقی نیز تردید مذکور ایجاد مشکل می‌نماید، زیرا فقهای اهل تشیع برخلاف اهل سنت معتقدند زن یائسه عده ندارد و بدون مانع عده می‌تواند ازدواج کند. بنابراین بررسی و پژوهش درباره تعیین

زمان یائسگی می‌تواند تا حدودی پاسخگوی ابهامات و پرسش‌های مطرح‌شده در این زمینه باشد. فقهای مذاهب اسلامی ملاک‌های متعددی برای تعیین زمان یائسگی بیان نموده‌اند که در ادامه خواهد آمد.

۱- عرف و عادت

عدم وجود نص خاص و ضابطه‌ای معین در تعیین زمان یائسگی فقیهان را به اجتهاد در این زمینه واداشته است. برخی از فقیهانی شافعیه (رافعی، بی‌تا؛ ابن حجر، ۱۳۷۹ ق؛ سیوطی، ۱۴۱۱ ق.) و بعضی از مالکیه (خرشی، بی‌تا) عرف و عادت را به عنوان ملاک تعیین زمان یائسگی قرار داده و آن را به حیض قیاس نموده‌اند. در این قول منظور از عرف و عادت معنای مصطلح آن از دیدگاه فقیهان و اصولیون نیست، بلکه مفهومی گسترده‌تر و فراتر از آن یعنی اقتضات زمان و مکان و تأثیر آن در اجتهاد مد نظر می‌باشد، چراکه مکان زیستگاه انسان‌هاست و بدون شک محیط همواره در تطوّر فقه اثری شگرف داشته و دارد و نمی‌توان آن را نادیده گرفت. بر این اساس عادت، یا رفتاری است [اعم از قولی و فعلی] و یا طبیعی، مثل میزان نفقه زوجه و اولاد و سن تمیز و بلوغ و عادت ماهانه بانوان و سن یائسگی آنان که تابع شرایط اجتماعی، عوامل نژادی، تغذیه، آب و هوا و شرایط محیطی است. مقصود فقیهان شافعیه از تحکیم یا داور قراردادن عرف و عادت آن است که در امور مذکور، حکم جزمی واحدی برای همه افراد و وقایع نمی‌توان داد و در هر مورد فقیه خصوصاً در مقام قضا باید به عرف محل مراجعه و به اقتضای آن مبادرت به صدور فتوا یا حکم قضایی کند. (امیدی، ۱۳۹۵ ش.) امام خمینی نیز در این باره می‌فرماید: یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پرآشوب کنونی نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیری‌ها است. (۱۳۷۲ ش.) مستند این گروه عموم قاعده العادة محكمة (سیوطی، ۱۴۱۱ ق.) و قواعد مندرج در آن، از جمله قاعده

«کل ماورد به الشرع مطلقاً و لا ضابط له فيه و لا فى اللغة، يرجع فيه الى العرف؛ هر چیزی در شرع به صورت مطلق آمده و ضابطه شرعی و لغوی ندارد، درباره آن به عرف مراجعه می‌شود» است. (سیوطی، ۱۴۱۱ ق؛ رافعی، بی‌تا)

۲- شرایط جغرافیایی، سیستم بدنی، خویشان نزدیک و همسالان

برخی از فقیهان نیز شرایط جغرافیایی، سیستم بدنی، زمان یائسگی خویشان نزدیک و همسالان را در تعیین زمان یائسگی مؤثر دانسته‌اند. به عنوان مثال ابواسحاق اسفراینی میان مناطق سردسیر و گرمسیر در این زمینه تفاوت قائل شده است. (رافعی، بی‌تا؛ ابن رفاعه، ۲۰۰۹ م.) نووی دلیل یائسگی زنان عرب در سن ۶۰ سالگی و زنان غیر عرب را در ۵۰ سالگی طبیعت قوی زنان عرب می‌داند. (نووی، بی‌تا) عده‌ای هم ترکیب بدن، چاقی و لاغری، قومیت زنان و همچنین رسیدن آنان به سنی که همسالان آن‌ها دیگر حیض نشوند را در این مسأله مؤثر می‌دانند. (ابن عابدین، ۱۴۲۱ ق؛ عینی، ۱۴۲۰ ق.) امام شافعی نیز در یکی از اقوالش همین مطلب را بیان می‌کند با این تفاوت که ایشان سن نزدیک‌ترین خویشاوندان پدری و مادری و زنان فامیل را معیار قرار می‌دهد. (نووی، بی‌تا؛ دمیاطی، ۱۴۱۸ ق.)

۳- سن زنان

عده‌ای از فقیهان نیز سن را به عنوان معیاری برای تعیین زمان یائسگی قرار داده‌اند، هرچند که در تعیین این معیار هم بر سن خاصی متفق‌القول نیستند و دیدگاه‌های مختلفی دارند و آن عبارتند از:

۱-۳- پنجاه سال: بر اساس قول مشهور مذهب حنابله، (بهوتی، ۱۴۰۲ ق.؛

بهوتی، ۱۹۹۶ م؛ ابن قدامه، ۱۳۸۸ ق؛ ابن قدامه، بی‌تا؛ بهوتی، بی‌تا؛ مرداوی، ۱۴۱۹ ق.) بعضی از حنفیه، (ابن نجیم، بی‌تا) ابن شعبان، (حطاب، ۱۴۲۳ ق.) ابواسحاق بن راهویه مالکی (ابن قدامه، ۱۳۸۸ ق.) و بعضی از شافعیه (ابن رفاعه، ۲۰۰۹ م؛ جمل، بی‌تا) زمان

یائسگی زنان در سن ۵۰ سالگی است. در میان فقهای اهل تشیع نیز گروهی معتقد به سن ۵۰ سالگی هستند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۹ ق؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۰ ق؛ شیخ طوسی، ۱۳۹۰ ق؛ حلی، ۱۴۰۸ ق؛ عاملی، بی‌تا؛ صدر، ۱۴۰۳ ق). عده‌ای نیز ۵۰ سالگی را با تغییر عادت عنوان نموده‌اند. (ابن ادریس، ۱۴۱۰ ق). برخی نیز ۵۰ سالگی را با قطع حیض مبنا قرار داده‌اند. (مفید، ۱۴۱۰ ق).

این گروه برای اثبات قول خود به دلایل زیر استناد نموده‌اند:

- شیخ کلینی از محمد بن اسماعیل، فضل بن شاذان، صفوان بن یحیی و عبدالرحمن بن حجاج از امام صادق (ع) روایت می‌کند که فرموده است: «حد التي قد یئس من المحیض خمسون سنة» (کلینی، ۱۴۰۷ ق؛ طوسی، ۱۴۰۷ ق). امام خمینی درباره این روایت گفته است: در طریق این روایت کسی جز محمد بن اسماعیل نیشابوری راوی از فضل بن شاذان که در موضع درنگ کردن باشد، وجود ندارد، زیرا از سوی رجال شناسان درباره وی توثیقی وارد نشده است، اما کسی که تفحص از روایات وی کند، اطمینان به وثاقت وی و اتقان اخبارش پیدا خواهد کرد. بسیاری از روایات وی و بلکه اغلب آن‌ها به طرق دیگر که صحیح یا موثق و یا معتبر هستند، بدون هیچ زیاده و کم نقل شده‌اند. بنابراین اعتماد حاصل از این ویژگی‌ها، از اطمینانی که برآمده از توثیقات شیخ طوسی و نجاشی و غیر آن دو باشد، بسیار بیشتر است. (موسوی خمینی، بی‌تا) در نتیجه از آنجا که راویان مورد اعتمادند، (نجاشی، ۱۴۰۷ ق؛ کشی، ۱۳۴۸ ق؛ خویی، ۱۴۱۰ ق). می‌توان گفت روایت هم محل اعتماد و ثقه است.

- روایتی از عائشه که گفته است: «إذا بلغت المرأة خمسین سنة خرجت من حد الحیض؛ زن وقتی به پنجاه سال برسد، از سن حیض دیدن، بیرون رفته است.» (بهوتی، بی‌تا؛ ابن قدامه، ۱۳۸۸ ق؛ زرکشی، ۱۴۲۳ ق؛ ابن مفلح، ۱۴۲۳ ق). اسحاق بن

راهویه با استناد به این قول می‌گوید حیض بعد از رسیدن به سن ۵۰ سالگی در میان زنان وجود ندارد و چنانچه بعد از این سن خونی از رحم زن خارج شود، حکم استحاضه خواهد داشت. (ابن قدامه، ۱۳۸۸ ق.) امام احمد نیز به همین روایت استناد کرده است. (بهوتی، ۱۴۰۲ ق؛ ابن مفلح، ۱۴۲۳ ق.)

- این گروه به قول دیگری از عائشه که گفته است: «لَنْ تَرَى الْمَرْأَةَ فِي بَطْنِهَا وَلَدًا بَعْدَ الْخَمْسِينَ سَنَةً» زن بعد از پنجاه سال، فرزندی را در شکم خود نخواهد دید» استناد می‌نمایند و معتقدند زمان یائسگی ۵۰ سالگی است. (بهوتی، ۱۹۹۶ م؛ ابن مفلح، ۱۴۲۳ ق؛ زرکشی، ۱۴۲۳ ق؛ رحیبانی، ۱۹۶۱ م؛ زحیلی، بی‌تا)

لازم به ذکر است علاوه بر این دو قول، قول دیگری نیز از عائشه در تأیید سن ۵۰ سالگی روایت شده که در آن زنان قریشی را از سایر زنان متمایز نموده و گفته است: «قُلْ امْرَأَةٌ تَجَاوَزُ خَمْسِينَ فَتَحِيضُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ قَرَشِيَّةً كَمَ زَنِي بَعْدَ زَنِي بِنَجَاحٍ» سالگی حیض می‌شود، مگر این که زنی قریشی باشد. (دخیل، ۱۴۰۹ ق؛ باجی، ۱۳۳۲ ق؛ ابن قدامه، ۱۳۸۸ ق؛ خطاب، ۱۴۲۳ ق.) ظاهراً دلیل عائشه در این روایت توجه به عادت رایج در بین زنان محیط خود بوده و در این قول اقتضائات مکانی را در نظر گرفته است. (دخیل، ۱۴۰۹ ق.)

پس از بررسی و تحقیق معلوم شد که سند موثقی درباره این سه روایت در کتب حدیث، مسانید و آثار وجود ندارد. (آلبانی، ۱۴۰۵ ق؛ عینی، ۱۴۲۰ ق؛ دخیل، ۱۴۰۹ ق.) بنابراین نمی‌توان به عنوان حجت و دلیل قطعی به آن‌ها استناد نمود و فقط به عنوان دلیلی ظنی و اماره قابل استناد است.

۲-۳- پنج‌جاه و پنج سال: احناف معتقدند که زمان یائسگی در زنان رسیدن

به سن ۵۵ سالگی است. (ابن نجیم، بی‌تا؛ ابن همام، بی‌تا؛ ابن عابدین، ۱۴۲۱ ق؛ نظام و همکاران، ۱۴۱۱ ق؛ عینی، ۱۴۲۰ ق.)

لازم به ذکر است عینی از فقهای حنفی این قول را به عائشه و سفیان ثوری، ابن مبارک، محمد بن مقاتل رازی، نصر بن یحیی و ابواللیث سمرقندی نسبت می‌دهد. (۱۴۲۰ ق.)

این گروه برای قول خود دلیلی ذکر نکرده‌اند و ظاهراً مستند آن‌ها توجه به عوامل بیرونی و استفاده از قراین خارجی و مشاهدات عینی است.

۳-۳- شصت سال: برخی از فقیهان از امامیه، (حلی، ۱۴۰۸ ق؛ حلی، ۱۴۱۰ ق؛ نراقی، ۱۳۸۰ ش.) بعضی از احناف، (ابن نجیم، بی‌تا) قولی از حنابله (ابن قدامه، ۱۳۸۸ ق؛ ابن ضویان، ۱۴۰۹ ق.) و قولی از شافعیه (شربینی، بی‌تا؛ رملی، ۱۴۰۴ ق.) معتقدند سن یائسگی در زنان رسیدن به ۶۰ سالگی است. لازم به ذکر است برخی از فقهای امامیه نیز معتقد به ۶۰ سالگی با دوام زاییدن (مجلسی، ۱۴۱۴ ق.) هستند.

دلایل قائلان به این قول عبارت است از:

- روایتی از امام صادق که می‌فرماید: «ثلاث یتزوجن علی کل حال، ... التي یئست من المحیض و مثلها لا تحیض. قلت و متى تکنون کذلک؟ قال: إذا بلغت ستین سنة فقد یئست من المحیض و مثلها لا تحیض؛ سه گروه از زنان هستند که در هر حال و بدون مانع عده می‌توانند ازدواج کنند... و یکی از آن‌ها زنی است که از حیض ناامید شده و زنان همانند او حیض نمی‌شوند. گفتم آنچه زمانی است؟ فرمود: وقتی به سن ۶۰ سالگی رسید، یائسه می‌شود و زنان همسان او نیز حیض نمی‌بینند.» (طوسی، ۱۴۰۷ ق.)

شیخ طوسی این روایت را با سند خود از علی بن حسن بن فضال از محمد بن حسین بن ابی‌الخطاب، از صفوان بن یحیی، از عبدالرحمن بن حجاج از امام صادق (ع) نقل کرده است، هرچند افرادی که در سند روایت از آن‌ها نام برده شده، همه ثقه و قابل اعتمادند، (مرتضوی، ۱۳۹۱ ش.) اما ظاهراً به روایت حسن بن فضال از

جانب علمای شیعه ایراداتی وارد شده است. (حائری، ۱۴۳۱ ق؛ طوسی، بی‌تا؛ نجاشی، ۱۴۰۷ ق؛ طوسی، بی‌تا)

- مرسله کلینی که در آن آمده است: و روی «ستون سنه ایضاً» (کلینی، ۱۴۰۷ ق). این روایت همچون روایت سن ۵۰ سالگی از عبدالرحمن بن حجاج نقل شده است و بدین سبب از جانب علمای شیعه (حائری، ۱۴۳۱ ق؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۲ ق). ایراداتی بر آن وارد شده است، (مرتضوی، ۱۳۹۱ ش). زیرا این مسأله قابل اهمیت است که عبدالرحمن دو بار به صورت مطلق از امام صادق (ع) دو مضمون را نقل می‌کند که یکی یائسگی را ۵۰ سالگی و دیگری آن را ۶۰ سالگی می‌داند. بنابراین این امر سبب ایجاد خدشه در روایت و عدم حجیت آن است.

- استناد به واقعیات و شواهد خارجی و عینی: قائلان به این قول گفته‌اند هند دختر ابی‌عبیده بن عبدالله بن ربیع، موسی پسر عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب (ع) را در سن ۶۰ سالگی به دنیا آورده است (ابن قدامه، ۱۳۸۸ ق). و در نتیجه از آنجایی که زن می‌تواند تا ۶۰ سالگی فرزند به دنیا بیاورد، این گروه معتقدند پایان حیض و آغاز یائسگی ۶۰ سالگی است.

- استناد به قولی از امام احمد که گفته است: چنانچه زنی بین سن ۵۰ تا ۶۰ سالگی خون مشکوکی مشاهده نمود، روزه بگیرد و نماز بخواند و همچنین روزه واجب را قضا نماید. محمد بن حسین خرقی با استناد به این قول امام احمد، پایان حیض را ۶۰ سالگی می‌داند. (مرداوی، ۱۴۱۹ ش).

۳-۴ - شصت و دو سال: قول معتمد در فقه شافعی این است که زمان

یائسگی در زنان ۶۲ سالگی است. (نووی، بی‌تا؛ نووی، بی‌تا؛ حصنی، ۱۹۹۴ م؛ انصاری،

۱۴۲۲ ق؛ هیتمی، بی‌تا؛ شربینی، ۱۴۱۵ ق).

این گروه نیز برای قول خود دلیلی ذکر نکرده‌اند و ظاهراً مستند آن‌ها توجه به عوامل بیرونی و استفاده از قراین خارجی و مشاهدات عینی است.

۵-۳- احتیاط بین سن ۵۰ تا ۶۰ سالگی: امام احمد در یکی از اقوال معتقد به رعایت احتیاط بین سن ۵۰ تا ۶۰ سالگی است و حد فاصل بین این دو سن را مشکوک شمرده و یقینی ندانسته است و گفته زن نباید در این ایام نماز و روزه‌اش را ترک کند و روزه را نیز از سر احتیاط باید قضا نماید. (ابن قدامه، ۱۳۸۸ ق.)

۶-۳- هفتاد سالگی و بالاتر: مالکیه، (زرقانی، ۱۴۲۲ ق.؛ خرشی، بی‌تا؛ خطاب، ۱۴۲۳ ق.؛ جزیری، ۲۰۰۹ م.) برخی از فقیهان شافعیه (ضبی، ۱۴۱۶ ق.؛ شروانی و همکاران، بی‌تا؛ شربینی، بی‌تا) و سرخسی و صفار حنفی (سرخسی، ۱۴۲۱ ق.؛ ابن نجیم، بی‌تا) معتقدند یائسگی در زنان در سن ۷۰ سالگی و بالاتر رخ می‌دهد. امام مالک درباره کم‌تر از این سن هنگام مشاهده خون، گفته است باید از زنان خبره و آگاه دیگر در این زمینه تحقیق و جستجو شود. (دسوقی، بی‌تا؛ خطاب، ۱۴۲۳ ق.) سرخسی در این زمینه به مشاهدات و شنیده‌ها استناد می‌کند، به این صورت که شنیده است زنی در سن ۹۰ سالگی حیض شده است. (۱۴۲۱ ق.)

۴- عدم تحدید سن مشخص

بر اساس روایتی از ابوحنیفه، (ابن عابدین، ۱۴۲۱ ق.) قولی از ابن رشد مالکی، (۱۴۰۸ ق.) ماوردی، (رملی، ۱۴۰۴ ق.؛ هیتمی، بی‌تا) سیدسابق شافعی، (بی‌تا) ابن تیمیه حنبلی، (۱۴۲۶ ق.) مرحوم شیخ صدوق، (۱۴۱۵ ق.) ابن صلاح حلبی (۱۴۰۳ ق.) از فقهای امامیه، ابن حزم ظاهری (بی‌تا) و شیخ عثیمین (سحیم، بی‌تا) معتقدند یائسگی سن مشخصی ندارد، زیرا یائسگی با اختلاف زنان متغیر است.

قائلان این قول به دلایل زیر استناد نموده‌اند:

- استناد به آیه ۴ سوره طلاق که می‌فرماید: «وَاللَّائِي يُمْسِنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا.» خداوند متعال در این آیه پایان حیض را به یائسگی معلق نموده است نه رسیدن به سن مشخصی و چنانچه یائسگی سن مشخصی داشت، قطعاً خداوند و رسولش (ص) آن را بیان می‌نمودند. در واقع یائسگی آن است که هر زنی خودش از حیض دیدن ناامید شود. گویی ابن تیمیه با این سخن یائسگی را نوعی تجربه شخصی می‌داند و در ادامه می‌گوید چنانچه خانمی ۴۰ سال داشت و خون حیضش قطع شد و از دوباره حیض شدن ناامید گردید، یائسه شده است. (ابن تیمیه، ۱۴۲۶ ق.).

- آیه ۲۲۲ سوره بقره که می‌فرماید: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَاعْتَرِ لُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ؛ از تو درباره عادت ماهانه [زنان] می‌پرسند، بگو آن رنجی است پس هنگام عادت ماهانه از [آمیزش با] زنان کناره‌گیری کنید.» این آیه بیان می‌دارد که حیض رنجی است و تا زمانی که نشانه‌های رنج (سختی) وجود داشته باشند، حیض هم باقی است. (ابن رشد، ۱۴۰۸ ق.).

- استناد به حدیث پیامبر (ص) که می‌فرماید: «إِنْ دَمَ الْحَيْضِ دَمٌ أَسْوَدٌ يَعْرِفُ» (نسائی، ۱۴۰۶ ق.؛ ابوداود، بی‌تا؛ آلبانی، ۱۴۰۵ ق.) و نیز حدیث «هَذَا شَيْءٌ كَتَبَهُ اللَّهُ عَلَى بَنَاتِ آدَمَ». (ابن حجر، ۱۳۷۹ ق.) قائلان به این قول می‌گویند پیامبر (ص) در حدیث اول به فاطمه بنت ابی‌حبیب امر نمود که هر زمان خون شبیه به خون حیض، یعنی خون سیاه دید، نماز و روزه‌اش را ترک نماید. بنابراین تا زمانی که زنان خونی با صفت خون حیض مشاهده نمایند، حتی اگر کهنسال هم باشند، حائض محسوب می‌شوند، زیرا بر اساس حدیث دوم همه زنان دختران آدم هستند و نص و اجماعی که دلالت کند، چنین خونی خون حیض نیست، وجود ندارد. (ابن حزم، بی‌تا)

- همچنین قائلان به این قول می‌گویند تا زمانی که زن در قید حیات است، تداوم حیض امکان دارد، (زملی، ۱۴۰۴ ق.) چراکه اقوال و روایاتی که درباره تعیین سن و زمان یائسگی ذکر شده است، متعارض و ضعیف است (ابن تیمیه، ۱۴۲۶ ق.) و نص قاطع و ضابطه‌ای معین که بیان نماید منتهای حیض و آغاز یائسگی ۵۰ سالگی و یا هر سن دیگری است، وجود ندارد، چراکه خداوند متعال حکم این مسأله را بر وجود حیض معلق نموده و سن خاصی برای آن تعیین نکرده است، در نتیجه ما نیز مکلف به رجوع به امری هستیم که حکم بر آن بنا شده و آن وجود حیض است و تا هر زمان که حیض ادامه داشته باشد، حکم آن ثابت است و زمانی که حیض قطع شد، حکم آن نیز پایان می‌پذیرد. (سحیم، بی‌تا)

۵- نوع زنان

ملاک دیگر فقیهان برای تعیین زمان یائسگی تقسیم‌بندی زنان بر اساس نوع آنان است، که در ادامه خواهد آمد.

۱-۵- **زنان عربی و غیر عربی:** بر اساس قولی از احمد بن حنبل زمان یائسگی در زنان عرب ۶۰ سالگی و در زنان غیر عرب (عجم) ۵۰ سالگی است. (ابن قدامه، بی‌تا) مستند قول امام احمد طبیعت قوی زنان عرب است. (ابن قدامه، بی‌تا) ابن قدامه در تقویت این قول از زبیر بن بکار نقل می‌کند که هند دختر ابی‌عبیده بن عبدالله، ولادت موسی بن عبدالله بن حسن بن الحسین بن علی بن ابیطالب (ع) را در سن شصت سالگی بیان نموده است و هند زنی عرب بوده است و از آنجا که دارای طبیعتی قوی بوده، توانایی بارداری و وضع حمل را در این سن داشته است. (ابن قدامه، ۱۴۱۴ ق.)

۲-۵- **زنان قریشی و غیر قریشی:** برخی از فقیهان نیز برای تعیین زمان یائسگی، زنان را به دو دسته قریشی و غیر قریشی تقسیم‌بندی نموده و گفته‌اند

یائسگی در زنان قریشی در ۶۰ سالگی و در زنان غیر قریشی در ۵۰ سالگی اتفاق می‌افتد. این قول، قول مشهور فقهای امامیه است. (علامه حلی، ۱۴۱۰ ق؛ مجلسی، بی‌تا؛ طوسی، ۱۳۸۷ ق؛ حلی، ۱۴۰۷ ق؛ عاملی جبعی، ۱۴۱۳ ق؛ طوسی، بی‌تا؛ طبرسی، بی‌تا؛ علامه حلی، ۱۴۲۱ ق؛ امام خمینی، بی‌تا؛ خویی، بی‌تا؛ گلپایگانی، بی‌تا؛ اراکی، ۱۳۷۱ ش؛ بهجت، ۱۳۷۷ ش؛ حکیم، بی‌تا)

مستند قائلان به این قول روایتی از شیخ کلینی است که می‌فرماید: «عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن طریف (ظریف)، عن ابن أبي عمير، عن بعض أصحابنا، عن أبي عبدالله (ع) قال: إذا بلغت المرأة خمسين سنة لم تر حمرة إلا أن تكون امرأة من قریش؛ وقتی زن به پنجاه سالگی برسد، خونی نمی‌بیند، مگر این‌که زنی از قریش باشد.» (۱۴۰۷ ق). این روایت به مرسله ابن ابی عمیر مشهور است و دارای سند مرسل و معتبر است، (نجاشی، ۱۴۰۷ ق؛ کشی، ۱۳۴۸ ق؛ حکیم طباطبایی، ۱۳۷۴ ق؛ مرتضوی، ۱۳۹۱ ش). اما بعضی از علمای امامیه به این روایت نیز ایراداتی وارد نموده و گفته‌اند بنا به شهادت اکثر علمای رجال ابن ابی عمیر از افراد ضعیف هم روایت نقل کرده است و فی نفسه به مراسیل او نمی‌توان اطمینان کرد. (خویی، ۱۴۲۱ ق؛ سبحانی، ۱۳۷۸ ش؛ مظاهری، ۱۳۸۲ ش). نکته قابل توجه دیگر این است که در این روایت تصریحی به سن شصت سالگی برای زنان قریشی نشده است. (مرتضوی، ۱۳۹۱ ش). لازم به ذکر است شیخ طوسی نیز در جلد اول کتاب تهذیب الاحکام این روایت را با همین سلسله سند بیان نموده‌اند.

۳-۵- زنان رومی و غیر رومی: در قول دیگری فقیهان زنان را به رومی و

غیر رومی تقسیم نموده و سن یائسگی را در میان زنان رومی ۵۵ سال و در میان زنان غیر رومی ۶۰ سالگی عنوان کرده‌اند. این قول به محمد بن حسن شیبانی نسبت داده شده است. (ابن نجیم، بی‌تا؛ ابن عابدین، ۱۴۲۱ ق). دلیل شیبانی این است که زنان رومی زودتر به سن پیری و کهولت می‌رسند. (سرخسی، ۱۴۲۱ ق).

بررسی اقوال مذکور نشان می‌دهد فقیهان در تقسیم‌بندی سوم شرایط آب و هوایی، منطقه‌ای و جغرافیایی را مدنظر داشته‌اند و هر یک بر اساس منطقه‌ای که در آن زندگی می‌کرده، رأی خود را بیان نموده است. به عنوان مثال در دیدگاه شیبانی که زنان را به رومی و غیر رومی تقسیم نموده، منظور از روم، ترکیه قدیم و آسیای صغیر است (دهخدا، ۱۳۷۳ ش.) که جزء مناطق سردسیر می‌باشد و از آنجا که آب و هوا و تغذیه و سبک زندگی و... در یائسگی مؤثر است، یائسگی در زنان رومی در سن ۵۵ سالگی و زودتر از زنان غیر رومی اتفاق می‌افتد که در مناطق خوش آب و هوا تر یا گرم‌تری زندگی می‌کنند.

۶- رأی راجح (دیدگاه برگزیده)

پس از بررسی دیدگاه‌های مختلف فقها و ادله آن‌ها درباره سن یائسگی می‌توان چنین استنباط نمود که قول قائلان به عدم تحدید سن مشخص برای یائسگی، راجح و برگزیده است. یائسگی از مباحثی است که نباید در مورد آن کوتاهی نمود، زیرا قصور در این مسأله سبب اهمال در مسائل شرعی و دینی و در نتیجه پایمال شدن احکام شریعت اسلامی می‌گردد، چراکه بر اساس دلایل مطرح شده از سوی قائلان به این قول [عدم تحدید سن مشخص] بر طبق آیه قرآن خداوند متعال پایان حیض را به یائسگی معلق نموده است و چنانچه یائسگی سن مشخصی داشت، به طور قطع در قرآن و سنت بیان می‌شد. بنابراین تا هر زمان که حیض ادامه داشته باشد، حکم آن ثابت است و زمانی که خون حیض قطع شد، حکم آن پایان می‌پذیرد.

از سوی دیگر تعیین سن مشخص برای یائسگی با اصل استصحاب و قاعده «بقاء ماکان علی ما کان» که عبارت است از حکم‌دادن به بقا و ماندگاری یک امر محقق و یقینی مادامی که خلاف آن ثابت نشده است، (افسری، ۱۳۹۵ ش.) در

تعارض است، زیرا مادامی که از قطع حیض اطمینان حاصل نشده، نمی‌توان به یائسگی حکم نمود.

همچنین در نظرگرفتن هر یک از اقوال مطرح‌شده از سوی فقیهان درباره سن شروع یائسگی، سبب ایجاد پرسش‌هایی در نحوه انجام تکالیف شرعی و احکام حقوقی حاصل از تردید میان حیض یا استحاضه‌بودن خون خواهد گردید، زیرا چنانچه حکم به حیض‌بودن، خون شود احکام خاصی از جمله ترک عبادات و دوری از برخی از محرمات را دارد و چنانچه حکم به استحاضه‌بودن خون شود، حکم آن انجام عبادات و غسل برای ادای نماز است و انجام [مکرراً] این کار سبب به وجود آمدن عوارض جسمی و روحی و ضرر و زیان به زنان می‌گردد، در حالی که پیامبر (ص) فرموده است: «لا ضرر و لا ضرار» (ابن انس، ۱۴۲۵ ق؛ آلبانی، ۱۴۰۵ ق). علاوه بر این‌ها بر اساس نظر کسانی که ۵۰ سالگی (و حتی سنین دیگر در صورت شک در یائسگی) را حد نهایت حیض می‌دانند، چنانچه به زنانی که در این مسأله دچار تردید هستند، حکم زنان یائسه داده شود. (طوسی، ۱۴۰۷ ق؛ مغنیه، ۱۴۲۹ ق). در صورت ازدواج مجدد احتمال اختلاط نسب وجود دارد، زیرا به یقین نرسیده که آیا یائسه است یا حائض.

نکته دیگری که در این زمینه قابل تأمل است، وجود تعارض میان روایات مطرح‌شده از سوی قائلان به سن ۵۰ سالگی و ۶۰ سالگی است، زیرا هر دو گروه به روایاتی استناد کرده‌اند که این روایات از صفوان بن یحیی و عبدالرحمن بن حجاج نقل شده است، هرچند در وثاقت راویان آن تردیدی نیست، اما نشان‌دهنده تعارض آن‌ها است، زیرا از امام صادق (ع) دو روایت با دو مضمون مختلف نقل شده است و همین سبب عدم حجیت آن می‌شود، در نتیجه در عمل به آن باید جانب احتیاط را رعایت نمود.

همچنین روایاتی که از عائشه از سوی فقیهان اهل سنت نقل شده است، سند آن ضعیف و متعارض است. در نتیجه روایت ضعیف قابل احتجاج نیست. ابن قدامه نیز در عدم حجیت روایات عائشه می‌گوید: حیض امری واقعی و حقیقی است و مرجع شناخت آن وجود خارجی آن است و عائشه به آن آگاهی ندارد. (ابن قدامه، ۱۳۸۸ ق.)

علاوه بر این موارد توجه به یافته‌های علم پزشکی نیز در این زمینه تقویت‌کننده قول قائلان به عدم تحدید سن مشخص است، زیرا در علم پزشکی تئوری کاملی که به یقین سن شروع یائسگی را بیان کند، وجود ندارد و گفته شده یائسگی معمولاً در دوران سنی بین ۴۰ تا ۵۵ سالگی اتفاق می‌افتد و این دوره نیز مانند آغاز دوران عادت ماهیانه در افراد بالغ زمان آن از فردی به فرد دیگر متغیر است و عواملی همچون نژاد، ژنتیک، میزان سلامتی و سبک زندگی فرد در هنگام وقوع یائسگی، موقعیت اجتماعی و اقتصادی، شمار حاملگی، سطح سواد، ویژگی‌های فیزیکی، مصرف الکل و تاریخ آخرین حاملگی، در هنگام وقوع آن مؤثر است. بنابراین با در نظر گرفتن رأی راجح عدم تحدید سن مشخص برای یائسگی می‌توان گفت روایات و اقوال مطرح‌شده درباره سن یائسگی بیشتر زمینه‌ارشادی دارد و نه مولوی و قید سن در روایات مذکور به عنوان حکم قطعی برای همه زنان نیست، بلکه فقط به عنوان یک دلیل ظنی و اماره و بیان حد متوسط سن یائسگی می‌توان به آن استناد نمود. در کنار همه این موارد از آنجا که نویسندگان مقاله ساکن شهرستان سنندج هستند، بر آن شدند تا با انجام یک کار میدانی میزان تطابق اقوال و روایات را با واقعیت عینی و خارجی جامعه مورد سنجش و ارزیابی قرار دهند. در نتیجه از ۶۳۰ نفر از بانوان یائسه شهرستان سنندج به صورت مراجعه فردی و حضوری، در مورد سن یائسگی از آن‌ها سؤال و تحقیق گردید و

نتایج مختلفی به دست آمد. بر اساس پرسشنامه مذکور یائسگی در زنان در شهرستان سنندج از سن ۳۵ سالگی شروع می‌شود و بیشترین میزان آن در سن ۴۹ و ۵۰ سالگی رخ داده است، البته این نتیجه در زنانی است که رحم و تخمدان خود را برداشته‌اند و عامل غیر طبیعی‌ای نیز در آن دخیل نبوده است. بنابراین با توجه به روایات و اقوال پیش‌گفته، دیدگاه‌های علم پزشکی و پرسشنامه مذکور می‌توان گفت حد متوسط سن یائسگی در اغلب زنان در شهرستان سنندج بین ۴۹ تا ۵۰ سال شمسی است.

نتیجه‌گیری

- ۱- پس از استقرا در دیدگاه‌های مختلف فقیهان و ادله آنان درباره سن یائسگی این نتیجه حاصل می‌شود که قول قائلان به عدم تحدید سن مشخص برای یائسگی راجح است.
- ۲- روایات مطرح‌شده درباره تعیین سن یائسگی دارای ضعف سند و متعارض است. بر برخی از آن‌ها نیز ایراداتی وارد شده است. همین مسأله سبب عدم حجیت آن‌ها می‌شود، در نتیجه در عمل به آن‌ها باید جانب احتیاط را رعایت نمود.
- ۳- تعیین معیار سن برای یائسگی سبب حلال‌شدن برخی از حرام‌ها می‌شود، زیرا اگر معیار سن در یائسگی در نظر گرفته شود، به طور ناگهانی زنان با رسیدن به سن خاصی آنچه در دوران قاعدگی بر آن‌ها حرام بوده، حلال می‌شود و اگر زنی در این قضیه مردد باشد، دچار عمل خلاف شرع خواهد شد.
- ۴- طبق یافته‌های علم پزشکی هیچ روش مطمئنی برای تعیین زمان دقیق یائسگی و سن شروع آن وجود ندارد و وقوع این مسأله بیشتر به زمینه ارثی و سبک زندگی یک زن بستگی دارد.
- ۵- بنابراین از آنجا که فقه اسلامی فقهی پویا است، می‌تواند در این زمینه از سوی فقها و مجتهدان تلاش بیشتری صورت گیرد و حکم اصلی و قطعی یائسگی بیان و در نتیجه سبب رفع مشکلات موجود در این زمینه گردد. از سوی دیگر به صورت کلی نمی‌توان روایات و اقوال گفته‌شده در این زمینه را انکار نمود، بلکه می‌توان از آن‌ها به عنوان دلیل ظنی و اماره جهت صدور حکم استفاده نمود، چراکه همانطور که گذشت روایاتی که وجود دارد از راویان ثقه و قابل اعتماد است، لذا برای بیان حد متوسط سن یائسگی قابل استناد و حجت است. همچنین از آنجا که بیان یک حکم کلی برای تمامی زنان در بحث سن یائسگی و حتی سن

حیض وجود ندارد، فقهای مذاهب اسلامی با در نظر گرفتن اقتضات زمان و مکان، شرایط اقلیمی و محیطی خاص هر منطقه و بررسی نژاد و سبک زندگی زنان هر منطقه می‌توانند برای آنان با توجه به فراین و شواهد و دلایل، حکم جزئی و خاص صادر نمایند، زیرا علاوه بر بحث احکام عبادی و مسائل زناشویی و حقوقی، این مسأله با سلامت روحی و جسمی زنان ارتباط مستقیم دارد و زنان در این دوران با مشکلات عدیده‌ای از جمله افسردگی، تپش قلب، سردرد، بی‌خوابی، تکرر ادرار، خستگی، عصبانیت و... رو به رو هستند و چنانچه در این زمینه شناخت پیدا کنند، قطعاً عوارض و مشکلات آن کم‌تر خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

1. Menopause
2. UTI: Urinary Tract Infection

فهرست منابع

منابع فارسی:

- اراکي، محمدعلي. (۱۳۷۱ ش.). توضیح المسائل. قم: دفتر تبلیغ اسلامی، ص ۷۶.
- اسپیروف، لئون. (۱۳۹۱ ش.). اندوکرینولوژی بالینی زنان و ناباروری. مترجم نادیا فغانی جدیدی، آیدا صراطی نوری و علیرضا بهشادفر، تهران: کتاب ارجمند، دو جلدی، جلد دوم، صص ۷۸-۱۰۰.
- افسری، سالم. (۱۳۹۵ ش.). مختصری در قواعد فقه. سندج: آراس، ص ۸۷.
- امیدی، جلیل. (۱۳۹۵ ش.). شرح منظومه عمده الطلاب در اصول فقه. تهران: احسان، ص ۲۷۵.
- بهجت، محمدتقی. (۱۳۷۷ ش.). توضیح المسائل. قم: شیع، ص ۱۰۱.
- حسینی، سیدمحمد. (۱۳۸۵ ش.). فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی. تهران: سروش، ص ۵۶۷.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳ ش.). لغت‌نامه دهخدا. تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، پانزده جلدی، جلد هشتم، ص ۱۰۹۲۶.
- رجبی، محمدطاهر. رجبی، محمدباقر. وحید دستجردی، مرضیه. (۱۳۸۱ ش.). بیماری‌های زنان و مامایی دنفورث ۱۹۹۹. تهران: اندیشه رفیع، صص ۴۳۳-۴۳۲.
- صادقیان، محمدرضا. حاتمی، مهرانگیز. (۱۳۷۶ ش.). یائسگی نماد بالندگی. تهران: روشنگران مطالعات زنان، ص ۱۹.
- صمدانی‌فرد، محمد. صمدانی‌فرد، حسین. (۱۳۸۴ ش.). همه چیز درباره یائسگی. تهران: اندیشه آور، صص ۲۶-۳۰.
- عجمی، ناهید. (۱۳۸۰ ش.). یائسگی. تهران: گلبرگ، ص ۵.
- عنابستانی، معصومه. (۱۳۸۴ ش.). بررسی مسأله یائسگی از منظر فقهی حقوقی و احکام آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، صص ۴-۱۱.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۸ ش.). دوره حقوق مدنی خانواده. تهران: دانشگاه تهران، دو جلدی، جلد اول، ص ۴۴۱.

مرتضوی، سیدضیاء. (۱۳۹۱ ش.). پژوهشی فقهی در شناخت موضوع و بازنگری ادله سن یائسگی. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، صص ۸۴-۱۱۴.

مروین، لئونارد. (۱۳۶۷ ش.). یائسگی تغییر بزرگ زندگی زن. مترجم مهرسیما فلسفی، تهران: مؤسسه علمی اندیشه جوان، ص ۱۴.

مظاهری، معصومه. (۱۳۸۲ ش.). بررسی نظریات پیرامون سن یائسگی. مجله فقه و حقوق خانواده (ندای صادق). سال هشتم، شماره سی‌ام، صص ۱۸-۱۶.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۹ ق.). توضیح المسائل. قم: انتشارات امام علی بن ابیطالب، ص ۸۰، مسأله ۴۲۸.

نواک، امیل. (۱۳۹۱ ش.). بیماری‌های زنان نواک. مترجم بهرام قاضی جهانی و روشنگر قطبی، تهران: گلبن نشر، دو جلدی، جلد دوم، صص ۱۱۱۶-۱۱۱۵.

نینوائی، ژیلا. (۱۳۷۴ ش.). چهل سالگی و بعد از آن. تهران: سخن، ص ۳۵.

منابع عربی:

ابن ادریس، محمد بن منصور. (۱۴۱۰ ق.). السرائر الحاوی للتحریب الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی، سه جلدی، جلد اول، ۱۴۵؛ جلد دوم: ۶۶۷، ۷۳۲.

ابن انس، مالک. (۱۴۲۵ ق.). الموطأ. ابوظبی: مؤسسه زاید بن سلطان، هشت جلدی، جلد پنجم، ص ۱۱۷۴.

ابن تیمیه، تقی‌الدین ابوالعباس. (۱۴۲۶ ق.). مجموع الفتاوی. مصر: دارالوفاء، نوزده جلدی، جلد نوزدهم، ص ۲۴۰.

ابن حجر. (۱۳۷۹ ق.). فتح الباری شرح صحیح البخاری. بیروت: دارالمعرفة، سیزده جلدی، جلد سوم: ۵۸۹؛ جلد چهارم: ۴۰۶.

ابن حزم، علی بن احمد. (بی‌تا). المحلی بالآثار. بیروت: دارالفکر، یازده جلدی، جلد اول، ص ۷۵۷.

- ابن رشد، ابوالولید محمد بن محمد. (۱۴۰۸ ق.). *المُقدّمات الممهّدات*. بیروت: دارالغرب، سه جلدی، جلد اول، صص ۷۳، ۹۲.
- ابن رفاعه، أحمد بن محمد بن علی الأنصاری. (۲۰۰۹ م.). *کفاية النبیة فی شرح التنبیه*. بیروت: دارالکتب العلمیه، بیست و یک جلدی، جلد پانزدهم، صص ۴۱-۴۰.
- ابن ضویان، ابراهیم بن محمد بن سالم. (۱۴۰۹ ق.). *منار السبیل فی شرح الدلیل*. مدینه: مکتب الإسلامی، دو جلدی، جلد اول، ص ۵۵.
- ابن عابدین، محمدامین بن عمر بن عبدالعزیز. (۱۴۲۱ ق.). *حاشیة رد المختار علی الدر المختار شرح تنویر الأبصار فقه أبوحنیفة*. بیروت: دارالفکر، هشت جلدی، جلد اول، صص ۳۰۵-۳۰۳.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد. (۱۳۸۸ ق.). *المغنی*. قاهره: مکتبه القاهره، ده جلدی، جلد اول: ۲۶۳-۲۶۱، ۳۱۹، ۳۷۲؛ جلد هشتم: ۱۰۷.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد. (۱۴۱۴ ق.). *الکافی فی فقه الإمام أحمد*. بیروت: دارالکتب العلمیه، چهار جلدی، جلد سوم، ص ۱۹۸.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد. (بی تا). *الشرح الكبير*. بی جا: دارالکتب العربیة للنشر و التوزیع، دوازده جلدی، جلد نهم، صص ۱۰۸-۱۰۷.
- ابن ماجه، أبو عبدالله محمد. (بی تا). *سنن ابن ماجه*. حلب: دارالإحیای الکتب العربیة، دو جلدی، جلد اول، ص ۶۶۶.
- ابن مفلح، ابراهیم بن محمد. (۱۴۲۳ ق.). *المبدع شرح المقنع*. ریاض: دار عالم الکتب، ده جلدی، جلد اول، صص ۲۱۸، ۲۲۹، ۲۳۵.
- ابن نجیم حنفی، زین الدین. (بی تا). *البحر الرائق شرح کنز الدقائق*. بیروت: دارالمعرفة، هشت جلدی، جلد اول: ۲۰۱؛ جلد دوم: ۲۰۱؛ جلد چهارم: ۱۵۱.
- ابن همام، کمال الدین محمد بن عبدالواحد سیواسی. (بی تا). *شرح فتح القدير*. بیروت: دارالفکر، هفت جلدی، جلد سوم: ۴۷۴؛ جلد چهارم: ۳۱۸.
- ابوداود، سلیمان بن الأشعث. (بی تا). *سنن ابی داود*. بیروت: مکتبه العصریه، چهار جلدی، جلد اول، ص ۸۲.

أنصاری، زکریا بن محمد. (۱۴۱۸ ق.). فتح الوهاب بشرح منهج الطلاب. بیروت: دارالکتب العلمیة، دو جلدی، جلد دوم، ص ۱۲۷.

آلبانی، محمدناصرالدین. (۱۴۰۵ ق.). إرواء الغلیل فی تخریج أحادیث منار السبیل. بیروت: المکتب الاسلامی، نه جلدی، جلد اول: ۲۰۰، ۲۲۳؛ جلد سوم: ۴۰۸؛ جلد هفتم: ۱۷۵.

باجی اندلسی، ابوالولید سلیمان بن خلف المالکی. (۱۳۳۲ ق.). المنتقى شرح الموطأ. قاهره: دارالکتب الاسلامی، هفت جلدی، جلد اول، صص ۱۲۶-۱۲۵.

بهوتی، ابن ادريس. (۱۴۰۲ ق.). كشف القناع عن متن الإقناع. بیروت: دارالفکر، شش جلدی، جلد اول، صص ۲۰۲، ۲۰۹.

بهوتی، ابن ادريس. (۱۹۹۶ م.). شرح منتهی الإیرادات. بیروت: عالم الكتاب. سه جلدی، جلد اول، صص ۱۱۴-۱۱۳.

بهوتی، ابن ادريس. (بی تا). روض المربع. بیروت: مؤسسه الرساله، ص ۵۳.

جزیری، عبدالرحمن. (۲۰۰۹ م.). الفقه علی المذاهب الاربعه. بیروت: مکتبه العصریه، صص ۱۰۷۴-۱۰۵۳.

جماعة من علماء الهند برئاسة نظام الدين البلخي. (۱۴۱۱ ق.). الفتاوى الهندية فی مذهب الإمام الأعظم ابی حنیفه. بیروت: دارالفکر، شش جلدی، جلد سوم، صص ۳۶۳.

جمل، سلیمان بن عمر. (بی تا). فتوحات الوهاب بتوضیح شرح منهج الطلاب المعروف بحاشیة الجمل. بیروت: دارالفکر، پنج جلدی، جلد چهارم، صص ۴۴۵.

حاکم نیسابوری، أبو عبدالله الحاکم محمد بن عبدالله. (۱۴۱۱ ق.). المستدرک علی الصحیحین. بیروت: دارالکتب العلمیه، چهار جلدی، جلد دوم، صص ۵۲۳.

حائری، شیخ مرتضی. (۱۴۳۱ ق.). شرح العروة الوثقی. مصحح محمدحسین امراللهی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، شش جلدی، جلد پنجم، ص ۱۵.

حصنی، أبوبکر بن محمد. (۱۹۹۴ م.). كفاية الأخیار فی حل غایة الإختصار. دمشق: دارالخیر، صص ۴۲۵.

حطاب رعینی، شمس الدین أبو عبدالله. (۱۴۲۳ ق.). مواهب الجلیل لشرح مختصر التخلیل. بیروت: دارالفکر، هشت جلدی، جلد اول، صص ۳۲۵، ۵۴۰.

حکیم طباطبایی، سیدمحسن. (۱۳۷۴ ق.). مستمسک عروة الوثقی. بیروت: دارالکتب العربی، چهارده جلدی، جلد سوم، ص ۱۵۳.

حکیم، محمدسعید. (بی تا). منهاج الصالحین. بیروت: دارالصفوه، ص ۶۳.

حلی، ابوصلاح. (۱۴۰۳ ق.). الکافی فی الفقه. اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین (ع)، ص ۳۱۲.
حلی، جعفر بن حسن (محقق). (۱۴۰۷ ق.). المعتمد فی شرح المختصر. قم: مؤسسه سیدالشهدا (ع)، دو جلدی، جلد اول، صص ۱۸۷، ۲۰۰.

حلی، جعفر بن حسن (محقق). (۱۴۰۸ ق.). شرائع الاسلام. قم: مؤسسه اسماعیلیان، چهار جلدی، جلد اول: ۲۱، ۲۵؛ جلد سوم: ۲۴.

حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۰ ق.). ارشاد الازدهان الی احکام الایمان. قم: دفتر انتشارات اسلامی، دو جلدی، جلد دوم، ص ۷۰.

حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۰ ق.). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. مشهد: تحقیق و نشر مجمع البحوث الاسلامیه، چهار جلدی، جلد دوم، ص ۲۷۲.

حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۲۱ ق.). تلخیص المرام فی معرفه الاحکام. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۲۲۴.
خرشی، محمد بن عبدالله. (بی تا). شرح مختصر خلیل. بیروت: دارالفکر للطباعة، هشت جلدی، جلد اول: ۲۰۴؛ جلد چهارم: ۱۴۲.

خویی، سیدابوالقاسم. (۱۴۱۰ ق.). معجم رجال الحدیث. قم: آثار شیعه، بیست و چهار جلدی، جلد نهم، ص ۱۲۳.

خویی، سیدابوالقاسم. (۱۴۲۱ ق.). تنقیح عروة الوثقی. قم: دارالهادی، ده جلدی، جلد ششم، ص ۹۱.

خویی، سیدابوالقاسم. (بی تا). منهاج الصالحین. قم: مؤسسه خویی الاسلامی، سه جلدی، جلد اول، ص ۵۶.

دخیل، سعیدفائز. (۱۴۰۹ ق.). موسوعه فقه عائشه ام المؤمنین. محقق محمد روااس قلعه جی، بیروت: دارالنفائس، صص ۹۵، ۵۷۲، ۶۵۰-۶۴۸.

دسوقی، محمد بن احمد. (بی تا). حاشیه الدسوقی علی الشرح الکبیر. بیروت: دارالفکر، بیست جلدی، جلد دوم، صص ۱۲۲-۱۲۱.

- دمیاطی، ابی بکر بن السید محمد شطا. (۱۴۱۸ ق.). *إعانة الطالبین علی حل الفاظ فتح المعین* بیروت: دارالفکر، چهار جلدی، جلد چهارم، ص ۴۹.
- رافعی، عبدالکریم بن محمد. (بی تا). *فتح العزیز بشرح الوجیز*. بیروت: دارالفکر، دوازده جلدی، جلد دوم: ۴۱۰-۴۱۲؛ جلد دهم: ۴۱۰.
- رحیبانی، مصطفی السیوطی. (۱۹۶۱ م.). *مطالب اولی النهی فی شرح غایة المنتهی*. دمشق: المکتبه الإسلامی، شش جلدی، جلد اول، ص ۲۴۸.
- رملی، شمس الدین محمد بن ابی العباس. (۱۴۰۴ ق.). *نهاية المحتاج إلى شرح المنهاج*. بیروت: دارالفکر، هشت جلدی، جلد اول: ۳۰۶، ۳۶۰؛ جلد سوم: ۸۳.
- زحیلی، وهبه. (بی تا). *الفقه الاسلامی وادلته*. لبنان: دارالفکر، ده جلدی، جلد اول: ۵۷۰-۵۴۹، ۶۱۲؛ جلد نهم: ۷۱۸۳-۷۱۸۲.
- زرقانی، عبدالباقی بن یوسف بن أحمد. (۱۴۲۲ ق.). *شرح الزرقانی علی مختصر خلیل*. بیروت: دارالکتب العلمیه، هشت جلدی، جلد اول، ص ۲۳۷.
- زرکشی، شمس الدین ابی عبدالله محمد بن عبدالله. (۱۴۲۳ ق.). *شرح الزرکشی علی مختصر الخرقی*. بیروت: دارالکتب العلمیه، سه جلدی، جلد اول، ص ۱۳۸.
- سابق، سید. (بی تا). *فقه السنه*. بیروت: دارالکتب العربی، سه جلدی، جلد اول، ص ۸۲.
- سایس، محمد علی. (بی تا). *تفسیر آیات الاحکام*. بیروت: مکتبه العصریه، چهار جلدی، جلد اول، ص ۶۱۲.
- سبحانی، جعفر. (۱۳۷۸ ش.). *کلیات علم رجال*. قم: جامعه مدرسین، ص ۲۲۷.
- سحیم، عبدالرحمن. (بی تا). *الفتاوی العامه*. بی جا: بی نا، دو جلدی، جلد اول، ص ۱۱۹.
- سرخسی، شمس الدین ابوبکر. (۱۴۲۱ ق.). *المبسوط السرخسی*. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، سی و یک جلدی، جلد سوم: ۳۸۳؛ جلد ششم: ۲۷.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۱۱ ق.). *الاشباه و النظائر*. بیروت: دارالکتب العربی، ص ۹۰.
- شافعی، محمد بن ادريس. (۱۴۱۰ ق.). *الأم*. بیروت: دارالمعرفه، هشت جلدی، جلد اول، ص ۹۳۶.
- شربینی، محمد بن محمد الخطیب. (۱۴۱۵ ق.). *الإقناع فی حل ألفاظ ابی شجاع*. بیروت: دارالفکر، دو جلدی، جلد دوم، ص ۴۶۸.

شربینی، محمد بن محمد الخطیب. (بی تا). *معنی المحتاج إلى معرفة ألفاظ المنهاج*. بیروت: دارالفکر، چهار جلدی، جلد دوم: ۴۶۸؛ جلد سوم: ۳۸۸.

شروانی، عبدالحمیدالملکی. عبادی، احمد بن قاسم. (بی تا). *حواشی الشروانی و العبادی*. بیروت: دارالفکر، ده جلدی، جلد هشتم، ص ۲۳۸.

صدر، سیدمحمدباقر. (۱۴۰۳ ق.). *الفتاوی الواضحه*. بیروت: دارالتعارف، ص ۲۲۷.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۴۱۵ ق.). *المقنع*. قم: مؤسسه امام هادی (ع)، ص ۳۴۵.

ضبی، ابوالحسن احمد بن محمد. (۱۴۱۶ ق.). *اللباب فی الفقه الشافعی*. مدینه: دار البخاری، ص ۸۷.

طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی، بیست جلدی، جلد پانزدهم: ۸۵؛ جلد نوزدهم: ۱۷۵.

طبرسی، فضل بن حسن. (بی تا). *مجمع البیان*. بیروت: دارالمعرفه، ده جلدی، جلد دهم، ص ۴۰.

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۳۸۷ ق.). *المبسوط فی فقه الامامیه*. تهران: مکتبه المرتضویه، هشت جلدی، جلد اول، ص ۴۲.

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۳۹۰ ش.). *الاستبصار فی ما اختلف من الأحبار*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهار جلدی، جلد سوم، ص ۳۳۷.

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۴۰۰ ق.). *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*. تهران، انتشارات اسلام، ص ۵۱۶.

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۴۰۷ ق.). *تهذیب الاحکام*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ده جلدی، جلد اول: ۳۹۷؛ جلد هفتم: ۴۶۹؛ جلد هشتم: ۶۷، ۱۳۷.

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (بی تا). *اختیار معرفة الرجال*. مؤسسه آل البيت علیهم السلام، دو جلدی، جلد دوم، ص ۸۳۶.

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (بی تا). *التبیین فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالإحیای التراث العربی، ده جلدی، جلد دهم، ص ۳۰.

طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (بی تا). *رجال الطوسی*. قم: مؤسسه نشر الاسلامی، ص ۴۵.

- عاملی جبعی، زین‌الدین بن علی بن احمد (شهید ثانی). (۱۴۱۳ ق.). *مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام*. قم: مؤسسه المعارف الاسلاميه، پانزده جلدی، جلد اول: ۵۸؛ جلد نهم: ۲۳۶-۲۳۵.
- عاملی، شمس‌الدین محمد بن علی. (بی‌تا). *مدارك الاحکام*. قم: مؤسسه آل‌البيت عليهم‌السلام، هشت جلدی، جلد اول، صص ۳۲۴-۳۱۱.
- عینی، بدرالدین. (۱۴۲۰ ق.). *البنایه شرح الهدایه*. بیروت: دارالکتب العلمیه، سیزده جلدی، جلد اول، صص ۶۲۲، ۶۳۹.
- کشی، محمد بن عمر. (۱۳۴۸ ق.). *رجال الکشی*. مشهد: دانشگاه مشهد، ص ۵۵۶.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق.). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، هشت جلدی، جل اول: ۱۰۷؛ جلد سوم: ۱۰۷.
- گلپایگانی، محمدرضا. (بی‌تا). *هدایه العباد*. بی‌جا: بی‌نا، د جلدی، جلد اول، ص ۴۴.
- مجلسی، محمدباقر. (بی‌تا). *بحارالانوار*. بیروت: دارالإحیای التراث، یکصد و ده جلدی، جلد هفتاد و هشتم: ۱۰۵؛ جلد نودم: ۷۲-۷۱.
- مجلسی، محمدتقی. (۱۴۱۴ ق.). *لوامع صاحبقرانی*. قم: مؤسسه اسماعیلیان، هشت جلدی، جلد اول، ص ۶۳۴.
- مرداوی، علاء‌الدین ابوالحسن علی بن سلیمان. (۱۴۱۹ ق.). *الإنصاف فی معرفه الراجح من الخلاف علی مذهب الإمام احمد بن حنبل*. بیروت: دارالإحیای التراث العربی، دوازده جلدی، جلد اول: ۲۵۵؛ جلد نهم: ۲۸۴-۲۰۸.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۹ ق.). *الفقه علی المناهب الخمسه*. قاهره: دارالکتب الاسلامی، دو جلدی، جلد دوم، صص ۱۶۹، ۱۸۵، ۲۱۹-۲۱۷.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان. (۱۴۱۰ ق.). *المقنعه*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ص ۵۳۲.
- موسوی خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۲ ش.). *صحیفه نور*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بیست و دو جلدی، جلد بیست و یکم، ص ۲۱۷.
- موسوی خمینی، روح‌الله. (بی‌تا). *تحریرالوسيله*. نجف: مطبعه الآداب، دو جلدی، جلد دوم، ص ۳۳۵.

موسوی خمینی، روح‌الله. (بی‌تا). کتاب الطهاره. قم: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، سه جلدی، جلد اول، ص ۴۵.

موسوی خمینی، سیدمصطفی. (۱۴۲۲ ق.). الطهاره. قم: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، دو جلدی، جلد اول، صص ۷۹-۸۰.

نجاشی، احمد بن علی. (۱۴۰۷ ق.). رجال النجاشی. به کوشش زنجانی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، صص ۶۱، ۸۶، ۹۷، ۳۲۷-۳۰۷.

نراقی، محمد مهدی. (۱۳۸۰ ش.). معتمد الشیعه فی احکام الشریعه. قم: کنگره بزرگداشت نراقی، ص ۲۵۸.
نسائی، احمد بن شعیب. (۱۴۰۶ ق.). سنن نسائی. حلب: مکتب المطبوعات الإسلامیه، هشت جلدی، جلد اول، ص ۱۲۳.

نووی، ابوزکریا محیی‌الدین یحیی بن شرف. (بی‌تا). المجموع شرح المذهب. بیروت: دارالفکر، بیست جلدی، جلد نهم: ۴۴۱؛ جلد هجدهم: ۱۴۴.

نووی، ابوزکریا محیی‌الدین یحیی بن شرف. (بی‌تا). روضه الطالبین و عمده المفتین. بیروت: دارالکتب العلمیه، هشت جلدی، جلد ششم، ص ۳۴۸.

هیتمی، احمد بن محمد بن علی بن حجر. (بی‌تا). تحفه المحتاج فی شرح المنهاج. بیروت: دارالتراث العربی، ده جلدی، جلد اول: ۳۸۴؛ جلد هشتم: ۲۳۸-۲۳۷.

یادداشت شناسه مؤلفان

سهیلا رستمی: استادیار، گروه فقه شافعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. (نویسنده مسؤول)

پست الکترونیک: rostamisoheila@gmail.com

سیده ریحانه یوسفی: استادیار، گروه زنان، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران.

زهرا تخت‌مینا: کارشناسی ارشد، گروه فقه شافعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

Comparative Study of Menopause in Islamic Jurisprudence*Soheila Rostami**Saiede Reyhane Yosefi**Zahra Thakhtmina***Abstract**

Postmenopausal is the woman whose menstrual periods stop permanently, and she is no longer able to bear children. There are no certain and specific Quranic verses or hadith or rule about the age of menopause in Quran so jurists have their own ijthihad according to the related verses and hadith with regard to the time and space requirements and by considering menopause of peers and close relatives. It leads to different opinions which are considered as legal implications and suspicious reasons not as final verdict. And it is arisen as average age of menopause. There is no reliable method in medical science either to determine the exact time of menopause. Its occurrence depends on women's genetic and life style.

Different questions have been arisen due to different opinions among jurists and lack of consensus among them on religious duties. Legal issues of doubt between menstruation and asthmas (blemishes), physiological changes during menopause or after that and its impact on women's body and soul make it necessary to be studied. Therefore in order to clarify the subject, first menopause is defined in this research then different jurists' viewpoints about the age of onset of menopause are discussed. Finally the viewpoint of "failure to specify certain age for menopause" is considered as the best opinion and comment.

Keywords

Age, Menopause, Menopause Age , Islamic Jurisprudence